

## اصول اخلاقی خانواده در قرآن و کلام و سیره علوی

فاطمه الناز یوسفی\*

### چکیده

خانواده اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و بهترین بستر برای سیر آدمی به سوی کمالات است. فلسفه وجودی خانواده در قرآن، فطری بودن رابطه زوجیت بین زن و مرد و نیل به کمال انسانی، احترام به تفاوت‌های زن و مرد و بهره‌گیری از نقش مکمل آنها به منظور تأمین آسایش و رشد و بالندگی یکدیگر و پرورش نسلی موحد و اخلاق‌مدار و باتقواست، از اینرو ثمره شناخت اصول اخلاقی حاکم بر روابط همسران از منظر قرآن کریم، ارمغانی نوین و تمدنی ناب برای زندگی است.

مطالعات انجام شده در این پژوهش نشان می‌دهد که بر مبنای آیات قرآن، مهم‌ترین اصول اخلاقی در خانواده عبارتند از: اصل امنیت و آرامش، مودت و رحمت، طهارت و معاشرت به معروف. از آنجا که در عرصه خانواده همچون دیگر عرصه‌های زندگی، نیاز به الگو و مقتدا، نیازی ضروری است و این امر جز با آموختن معارف اهل بیت (ع) و سیره و اصول ایشان در روابط خانوادگی میسر نیست و بدون شک کلام و سیره اهل بیت (ع) به ویژه خانواده آسمانی حضرت امیر (ع) می‌تواند الگویی نیکو برای رسیدن به خانواده مطلوب باشد، اشاراتی در این باب آورده شده است.

**کلیدواژگان:** خانواده، سیره علوی، امنیت، طهارت، مودت

---

\*. کارشناس ارشد فقه و حقوق و سطح ۲ حوزه علمیه حضرت خدیجه (س)؛ fatemehelnaz@gmail.com

## مقدمه

از آنجایی که خانواده همواره در طول تاریخ نقش مهمی را در رشد و توسعه مراحل حیات بشر داشته، نسبت به سایر نهادهای اجتماعی، از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است. اهمیت خانواده و محوریت آن در شکل‌گیری زندگی اجتماعی بشر، همواره به گونه‌ای بوده که هیچیک از مکاتب سیاسی، اجتماعی، فلسفی و ... از پرداختن بدان دریغ نورزیده‌اند (میرخانی، ۱۳۸۰: ۳۸). در اسلام نیز خانواده از جایگاه خاصی برخوردار است و جامعه اسلامی به شدت بر تحکیم و تقویت خانواده اهتمام می‌ورزد، زیرا پرورش اخلاقی، ترویج و درونی ساختن سنن دینی و تربیت اجتماعی از خانواده آغاز می‌شود (ستوده، ۱۳۸۷: ۲۱). پیامبر اسلام (ص) در خصوص ازدواج و تشکیل خانواده می‌فرماید: «ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله من التزویج»؛ هیچ بنایی در اسلام محبوب‌تر از بنیان خانواده برپا نشده است (طبرسی، ۱۳۶۵: باب آداب نکاح، ۶۱۹).

از آنجا که ارکان اولیه خیر و سعادت جامعه در خانواده رقم می‌خورد، یافتن الگویی جامع برای تحقق خانواده قرآنی که بستر نیل به کمالات و سعادات دنیوی و اخروی را تأمین نماید، از ضروری‌ترین اهداف پژوهش‌های دینی- اجتماعی بشمار می‌رود. در این راستا استخراج آموزه‌های اخلاقی خانواده در آیات و روایات و به ویژه تفحص عمیق و دقیق در سیره خانوادگی اهل بیت (ع) -انسانهای کاملی که مقام خلیفه الهی در آنان به ودیعه نهاده شده- بسیار راهگشا خواهد بود.

از مبانی مهم اخلاق خانواده در اسلام، معیار خدامحوری است. در اسلام تمام اعضای خانواده در معاشرت با یکدیگر به دنبال کسب رضایت خداوند هستند و خدا را شاهد و ناظر بر اعمال خود می‌دانند و با دید امانت به همدیگر نظاره می‌کنند. در نتیجه تمام سعی‌شان بر این است که در راستای قرب الهی گام بردارند و همه وظایف خود را به نحو احسن انجام دهند. از اینرو در نوشتار حاضر تلاش شده تا به سؤالاتی از این قبیل پاسخ داده شود: اهمیت و ضرورت تشکیل خانواده چیست؟ اصول حاکم بر خانواده قرآنی کدام است؟ جلوه‌های این اصول در سیره اهل بیت (ع) چگونه است؟ و با تکیه بر آموزه‌های

قرآنی به تبیین جایگاه و فلسفه وجودی خانواده و معرفی اصول اخلاقی حاکم بر یک خانواده اسلامی و ذکر نمونه‌هایی در کلام و سیره علوی پرداخته شده است.

### «خانواده» و جایگاه «اخلاق» در آن

«خانواده» از نظر لغوی به معنای اهل و عیال، خانه و اسباب، خویشان، دولت و ثروت مخصوصاً ثروت موروثی قابل حمل می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶ / ۹۴۲۸). این واژه در لغت، به معنی خاندان، دودمان، خیل، خانه، تبار و دوده آمده است (همان، ۶ / ۹۴۳۸). درباره تفسیر و تعریف خانواده ابن اثیر می‌گوید: خانواده، همان عشیره و خاندان او می‌باشد؛ چرا که با ایشان قدرتمند می‌گردد (شریف قریشی، ۱۳۷۷: ۲۲). بنابراین، مفهوم خانواده در لغت تنها در حوزه و قلمرو فرزندان و خانواده مرد نیست، بلکه شامل نزدیکان و خویشاوندان او که به آن‌ها قدرتمند می‌گردد نیز می‌باشد (همان، ۲۳).

از نظر اصطلاحی می‌توان خانواده را در معنای مجموع اسلاف، اخلاف و خویشان جانبی و والدین متعلق به یک دودمان و یا جمع زوجین و فرزندان آنان که اولین سلول و یا واحد حیات طبیعی - اجتماعی را تشکیل می‌دهند بکار برد (بیرو، ۱۳۸۰: ۱۳۰). به بیانی دیگر، خانواده، واحد اجتماعی نشأت گرفته از ازدواج یک زن و یک مرد است که فرزندان پدیدآمده از آنها، این ساختار انسانی را تکمیل می‌کنند. خانواده نخستین واحد اجتماعی است که شخص در آن گام می‌نهد و آداب زندگی و اصول و رسوم اجتماعی و حتی اصول اخلاقی مانند تعاون و از خودگذشتگی را فرا می‌گیرد (قائمی، ۱۳۷۹: ۲۰).

خانواده، کانون شکل‌گیری، حفظ و تقویت سنت‌های اخلاقی و مرکز رشد عواطف و احساسات انسان است. در واقع خانواده از ابتدای تاریخ، اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و زیربنای شکل‌گیری فرهنگها و عامل ترویج آموزه‌های اخلاقی بوده است و از اینرو همواره پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین جامعه و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی‌اش، زمینه‌ساز اصلاح جامعه انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی خود و سقوط به ورطه ضلالت و دوری از اخلاق بوده است (www.iranculture.org).

«اخلاق» در لغت عرب جمع «خُلُق» و «خُلُق» است و در معانی سرشت، طبیعت، عادت، خوی به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۰ / ۸۸). قرآن کریم نیز واژه «خُلُق» را

به همین معنا به کار برده است: «و إنك لعلی خلق عظیم»؛ به راستی که تو را خویی والاست» (قلم/ ۴) و رسول خدا (ص) را به عنوان والاترین مقام اخلاقی و الگوی اخلاق‌مداری در تمامی مناسبات انسانی به بشریت معرفی نموده است. منظور از خُلُق، نیروها و سرشت‌هایی است که با بصیرت ادراک می‌شوند و مبین صفات باطنی انسان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۹۷).

براین اساس، اخلاقیات همان ملکات و سجایای نفسانی انسان هستند. استاد مصباح یزدی در این خصوص می‌گوید: «کلمه اخلاق که جمع خُلُق است در اصل لغت به معنای یک صفت نفسانی است، یا یک هیئت راسخه، یک حالتی که در نفس رسوخ داشته باشد و موجب این شود که افعالی که متناسب با آن صفت هست بدون احتیاج به فکر کردن و سنجیدن از انسان صادر گردد» (مصباح یزدی، ۱۳۷۰: ۹).

علامه طباطبایی نیز در این خصوص می‌گوید: خُلُق عبارت است از ملکه نفسانی‌ای که از آن افعال به سهولت و راحتی صادر می‌شود که البته این مطلب خود به دو بخش فضیلت و ردیلت منقسم می‌گردد. فضایل اخلاقی عبارتند از ملکات پسندیده مانند عفت و شجاعت، و رذائل اخلاقی عبارتند از ملکات ناپسند، مانند هرزگی و ترس. ولی اگر مطلق ذکر شود، خلق نیکو و فضائل از آن فهمیده می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۱۹ / ۳۶۹).

یکی از ارکان و اهداف مهم دین، اخلاق است. مقصود از تمام معارف دینی و انجام مناسک و شعائر دینی ایجاد تحول اخلاقی در انسان است، به نحوی که اگر عناصر معرفتی و عبادی در دین نتوانند در حوزه اخلاقی تأثیر بگذارند به کمال خود دست نیافته‌اند. هنگامی که به آموزه‌های دین مبین اسلام نظر می‌افکنیم، درمی‌یابیم که تأکیدات قرآن کریم، انبیاء الهی و ائمه اطهار (ع) بر غایات و ثمرات اخلاقی و عملی در قالب تقوا، عبرت‌آموزی، شکرگزاری، ایمان و یقین، عبادت الهی، نیل به رشد و رستگاری و... بیانگر ارزش بی‌همتای عنصر اخلاق در میان دیگر عناصر است؛ چنانکه رسول خدا (ص) می‌فرماید: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ همانا من برای کامل کردن کرامت‌های اخلاقی مبعوث شده‌ام» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۶۷ / ۳۷۲).

از توصیه‌های متعدد اخلاق‌مدار در آیات و روایات، ملازمه اخلاق‌مداری با شئون مختلف زندگی بشر در دیدگاه اسلام برمی‌آید. خانواده از دیدگاه اسلام، نهادی است مرکب از قواعد حقوقی و اخلاقی که در آن غلبه با اخلاق است؛ چراکه قدرت اساسی حاکم بر خانواده، به عنوان رکن طبیعی و بنیادین اجتماع، عواطف انسانی است. در این دیدگاه، تشکیل زندگی خانوادگی برای هر انسان، یک وظیفه بزرگ الهی محسوب می‌شود. هدف از تشکیل خانواده، براساس آیه ۲۱ سوره مبارکه روم، ایجاد آرامش، مودت و رحمت و زمینه‌هایی برای رشد و بالندگی، تقویت و تکمیل هر یک از زن و مرد به وسیله دیگری و رکن اساسی در تحقق این اهداف، ملازمه اخلاق‌مداری با حقوق و تکالیف زوجین در خانواده است (آل اسحاق، ۱۳۸۹: ۴۸).

### فلسفه وجودی «خانواده» از منظر قرآن

تشکیل خانواده از نظر مکاتب و فرهنگ‌های مختلف، علل متفاوتی دارد. برخی نیاز جنسی زن و مرد به یکدیگر را عامل اصلی تشکیل خانواده و تحمل یک سلسله مسئولیت‌ها و محدودیت‌ها می‌دانند، که البته با وجود اهمیت انکارناپذیر این نیاز، نمی‌توان آن را علت تامه تشکیل خانواده در نظر گرفت؛ زیرا در این صورت باید زندگی خانوادگی تابعی از آن نیاز بوده و همچون خود آن نیاز در معرض تغییر و نوسان باشد (بهشتی، ۱۳۸۵: ۳۵)، در حالی که خانواده بر اصول با ثباتی استوار است. برخی علت وجودی تشکیل خانواده را داشتن فرزند می‌دانند؛ چراکه انسان مایل است ادامه وجود خودش را در فرزندش بنگرد. بنابراین، شاید به‌جا باشد اگر گفته شود که تشکیل خانواده، به خاطر توالد و تناسل است، لیکن با همه اهمیتی که برای این جنبه قائلیم، نمی‌توانیم این را نیز اصل و پایه یگانه و منحصر به فرد قرار دهیم. گروهی نیز مدنی بالطبع بودن انسان و نیاز به تعاون و معاضدت را در تأمین نیازهای زندگی مطرح می‌کنند. باید گفت گرچه عامل تعاملات انسانی و اجتماعی بودن نقش به‌سزایی در شکل‌گیری خانواده دارد، اما صرفاً نمی‌توان آن را مبنا به‌شمار آورد.

از دیدگاه قرآن، اصولاً خلقت انسانها جفت جفت است و هیچ مردی و هیچ زنی نیست که برای او جفتی خلق نشده باشد. آنها به‌حسب فطرت خود، در پی یافتن جفت خویش

کوشش و تلاش می‌کنند و هر کدام با تاکتیک خود، این وظیفه فطری را انجام می‌دهند و سرانجام همدیگر را می‌جویند و کامل می‌کنند (همان، ۳۸ و ۳۹). قرآن در این باره می‌فرماید: «وَ خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا»؛ و شما را جفت‌هایی [به صورت نر و ماده] آفریدیم» (نبا/۸) همچنین می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...؛ اوست که شما را از یک تن آفرید و جفتش را از جنس او قرار داد تا در کنارش آرامش بیابد» (اعراف/۱۸۹). همچنین می‌فرماید: «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ و از نشانه‌های (قدرت) او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان سکون و آرامش یابید و میان شما و همسرانتان علاقه شدید و دوستی و رحمت قرار داد. قطعاً در این (تدبیر عجیب) برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هاست» (روم/۲۱).

قرآن با این گونه تعبیرات، در حقیقت به فلسفه‌ی اساسی تشکیل خانواده اشاره می‌کند. اگر جفت‌گرایی در سرشت انسان عجین نشده بود و همسران، وسیله سکون و آرامش یکدیگر نبودند و دوستی و رحمت در میان آنها قرار داده نمی‌شد، چه نیازی داشتند که با بستن پیمان زناشویی، تنهایی و استقلال فردی خود را در جمع کوچک خانواده مضمحل کنند و همه لوازم و نتایج آن را تحمل نمایند؟!

درست است که جفت‌گرایی در میان حیوانات نیز هست، اما فرقی که قرآن میان جفت‌گرایی انسان و حیوان قائل شده آن است که در مورد حیوانات، صحبت از این نمی‌کند که جفت‌ها وسیله سکون و آرامش یکدیگرند و در میان آنها مودت و رحمت قرار داده شده است، حال آنکه درباره انسان‌ها با صراحت این را مورد تأکید قرار می‌دهد. بدین ترتیب از منظر قرآن، رفع نیاز جنسی یا عوامل دیگر، در تشکیل خانواده اصل نیستند، بلکه محیط پر از صفای خانواده، تجلیگاه مودت و رحمت زن و مرد نسبت به یکدیگر و وسیله سکون و آرامش آنها بوده (بهشتی، ۱۳۸۵: ۴۱)، و ازدواج و تشکیل خانواده راهی برای نیل به کمال انسانی می‌باشد ([www.tebyan.hamedan.ir](http://www.tebyan.hamedan.ir)).

بنابراین می‌توان گفت تکامل انسانی و احترام به نیازهای فطری، مهم‌ترین فلسفه وجودی تشکیل خانواده در اسلام است و هدف اساسی دین مبین اسلام، تربیت انسان‌ها و

تأمین سعادت آنها در تمام ابعاد وجودی و در تمام مراحل زندگی است (www.porseshmehr.ir). به همین جهت دستورات تربیتی اسلام و فرهنگ حیات بخش اهل بیت (ع) دقیقاً در راستای توجه به نیازها، ویژگی‌ها و علایق فطری بشر و پرورش آنها تدوین شده است (میرخانی، ۱۳۸۰: ۲۵).

### اصول اخلاقی «خانواده» در قرآن

با بررسی دقیق و تحلیلی آیات قرآن می‌توان چهار اصل اساسی را به عنوان زیرساخت اخلاق خانواده مطرح نمود که در ذیل به تبیین و بررسی هر یک از آنها خواهیم پرداخت:

#### ۱- اصل آرامش و امنیت

در کل نظام هستی، سکون و آرامش را خداوند عطا می‌کند (بهشتی، ۱۳۸۵: ۴۰ و ۴۱)؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ؛ اوست که سکون و آرامش را به دل‌های مؤمنان نازل کرد» (فتح/۴). هنگامی به این سکون و آرامش دست می‌یابد که به آن قدرت لایزال ایمان داشته باشد، در این صورت در برابر حوادث و مصایب و فراز و نشیب‌ها نخواهد لرزید و محکم و استوار می‌ایستد (بهشتی، ۱۳۸۵: ۴۰ و ۴۱). اما همسران نیز وسیله سکون و آرامش یکدیگرند و این حتی به ایمان آنها بستگی ندارد. می‌توان گفت همان طوری که انسان به آب و غذا نیاز دارد و هنگامی که رفع گرسنگی و تشنگی کرد، سکون و آرامش می‌یابد، زنان و مردان نیز به یکدیگر نیاز دارند و هنگامی که یکدیگر را یافتند، آرامش پیدا می‌کنند (همانجا).

در خانواده‌ای که براساس معیارهای اسلامی تشکیل شده باشد، آرامش و آسایش جسم و جان انسان تأمین می‌گردد و در صفا و صمیمیت و همفکری و همدردی و هماهنگی آن، زنگارهای پریشانی و خستگی‌های عصبی و جسمی زدوده می‌شود و دو انسان می‌توانند با تعاون و تعاضد و یکی شدن، نیرومندتر و مستحکم‌تر شوند (همان، ۶۷)؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم/۲۱). توجه بیشتر به این آیه شریفه نشان می‌دهد که ازدواج تنها به منظور ارضای نیازهای جنسی نیست و روابط زن و شوهر فراتر از کامجویی و لذت جنسی است و عاملی است در رهایی فرد از تنهایی، محملی است برای تسکین خاطر و آرامش و کمال (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۶). قرآن در

این آیه هدف ازدواج را سکون و آرامش قرار داه و نظیر این تعبیر در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز آمده است. «سکینه» از نظر لغوی به معنی آرامش قلب و اطمینان خاطر است. همچنین «سکینه» و «سکن» به معنی زوال ترس است (قرشی، ۱۳۶۱: ۳/۲۸۳). از اینرو یک اصل اساسی در اخلاق خانواده این است که اعضای خانواده موجب زوال ترس و اطمینان قلب یکدیگر شوند.

به راستی وجود همسران با این ویژگی‌ها، یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود. تحصیل آرامش روانی و سکون قلبی زن و مرد در سایه برقراری روابط عاطفی و اجتماعی بسیار نزدیک آنها با هم میسر است. نکته مهمی که بیشتر مفسران آن را مورد توجه قرار داده‌اند، هم‌نوعی در زن و مرد است که در ایجاد آرامش آنها نقش مهمی دارد. نکته دوم، مکمل بودن شخصیت زن و مرد برای یکدیگر است، به طوری که ساختار بدنی و هورمونی زن و مرد و ویژگی‌های روانی آن‌ها مایه جذب طرف مقابل و انس زن و مرد با هم می‌شود (سالاری‌فر، ۱۳۸۳: ۲۷) و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش هم می‌گردند چنانکه می‌توان گفت هر یک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او، چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۶/۴۱۳ و ۴۱۲). زن مایه آسایش و راحتی و رفع‌کننده اضطراب خاطر و نگرانی در خانواده و مرد مسئول انجام کارهای سنگین اجتماعی و تدبیر منزل است. بنابراین، زن و مرد دو نحوه وجودی هستند که برای اداره نظام جهان باید با هم و در کنار هم باشند (مظاهری، ۱۳۷۰: ۲۷ و ۲۸).

انسان‌ها در سایه آرامش به دست آمده از راه تشکیل خانواده می‌توانند مسیر دست‌یابی به کمال را به آسانی طی نمایند و این آرامش خاطر جز به وسیله عشق و محبت به دست نمی‌آید (عیسی‌زاده، ۱۳۹۰، ۲۸ و ۲۹).

## ۲- اصل مودت و رحمت

یکی دیگر از اصول اخلاق خانواده اصل مودت و رحمت است. خانواده در اسلام به عنوان بنیادی مقدس و مستحکم به وسیله ازدواج به صورت یک پیمان با تکیه بر حقوق و قوانین و بر مبنای مودت و رحمت استوار می‌گردد (نوابی نژاد، ۱۳۸۳: ۳۷). قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ



لَقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ و باز یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و با هم انس گیرید و میان شما مودت و مهربانی برقرار فرمود. در این امر نیز برای اهل فکر ادله‌ای (از علم و حکمت حق) آشکار است» (روم/۲۱).

از نظر لغوی «مودت» از ریشه «ودد» به معنی دوست داشتن (قرشی، ۱۳۶۱، ۷/۱۹۲) و «مُؤَادَدَه» به معنای دوست داشتن همدیگر است. همچنین دوست داشتن چیزی و آرزوی بقای آن نیز از معانی مودت به شمار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۱۶). در واقع، مودت آن دوست داشتنی است که با اظهار علاقه و جلوه یافتن دوستی ملازم است. مودت بر وزن «مفعله»، ثبات و دوام عمل و شدت و قوت تأثیر فعل را افاده می‌کند و چنین دوست داشتنی در خانواده امری کلیدی است. در آیه مذکور علاوه بر «مودت» واژه «رحمت» نیز آمده است. رحمت در لغت به معنای احسان و بخشش و افاضه به کسی است که استحقاق آن را دارد و در روابط و مناسبات انسانی این امر به سبب رقت و رأفت و لطف و عطوفت و شفقت و دلسوزی حاصل می‌شود (همان، ۱۹۱). در واقع «مودت» تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد و «رحمت» به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحب دل را وادار می‌کند به اینکه او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع نماید.

یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌های خودنمایی مودت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است. چون زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند و این دو با هم (به خصوص زن)، به فرزندان رحم می‌کنند، چراکه در آنها ضعف و عجز مشاهده می‌کنند و اینکه آنها نمی‌توانند حوائج ضروری زندگیشان را تأمین کنند. این محبت و مودت موجب می‌شود تا آنان در حفظ و حراست، تأمین خوراک و پوشاک و منزل و تربیت او بکوشند. اگر این رحمت نبود نسل بشر به کلی منقطع می‌شد و هرگز نوع بشر تداوم نمی‌یافت. از اینرو از سیاق آیه برمی‌آید که مراد از «مودت» و «رحمت» در آن، همان مودت و رحمت خانوادگی است؛ هرچند که اطلاق آیه شامل جامعه انسانی نیز می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۶/۲۵۰).

وقتی عشق و دلبستگی زن و شوهر نسبت به یکدیگر به مرحله‌ای می‌رسد که به طور کلی در غم و شادی هم شریکند و هیچ کدام بدون حضور دیگری زندگی گرم و پرنشاط و شیرینی ندارد، به خاطر همان مودت و رحمتی است که قرآن بر روی آن تکیه می‌کند (بهشتی، ۱۳۸۵: ۴۰ و ۴۱). هرچه مودت و رحمت عمیقتر و گسترده‌تر باشد، زندگی خانوادگی از آرامش و لذت و رشد بیشتر برخوردار خواهد بود و توان و تحمل اعضای خانواده بیشتر شده و رفتار و برخورد مناسبتری خواهند داشت و از طرفی نیز هرچه اعضای خانواده در مراتب کمال انسانی بالاتر بروند و وجودشان لطیفتر شود، مودت و رحمتشان بیشتر می‌گردد و گسترده‌تر جلوه می‌کند؛ چنانکه الگوهای کمال انسانی چنینند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۸). از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمودند: «من اخلاق الانبیا حب النساء»؛ دوست داشتن زن از خلق و خوی پیامبران است (کلینی، ۱۳۸۸ ق: ۵ / ۳۲۰). هرچه انسان‌ها در مراتب کمال بالا روند و به مدارج والاتری از ایمان دست یابند، مودت و رحمتشان نسبت به همسر و خانواده بیشتر جلوه می‌کند؛ چنانکه در حدیث نبوی آمده است: «کَلِمَا از داد العبد ایمانا از داد حبا للنساء»؛ هرگاه ایمان بنده‌ای زیاد شود، محبتش نسبت به زن (همسر) زیاد می‌گردد (ابن اشعث کوفی، بی‌تا: ۹۰؛ تمیمی مغربی، ۱۳۸۹ ق: ۲ / ۱۹۲). همانطور که عشق به کمالات حقیقی، منشأ رشد و تعالی و بارش رحمت الهی است، همسر دوستی نیز چنین است؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «انَّ الرجل اذا نظر الی امراته، نظر الله تعالی الیهما نظره رحمه»؛ وقتی مرد به همسر خود [با محبت] می‌نگرد و زن به شوهر خود (با مهر) می‌نگرد، خداوند به دیده رحمت به آنان می‌نگرد (ابن ادريس حلی، ۱۴۱۰ ق: ۳ / ۶۳۶).

محیط خانه باید محل زدودن و زائل شدن نگرانی‌ها و اضطراب‌ها باشد و هرگونه رفتاری که باعث به سردی گراییدن کانون گرم خانواده گردد، نوعی کفران نعمت محسوب می‌شود (مظاهری، ۱۳۷۰: ۱۰۷). قرار گرفتن دو فرد با دو شخصیت و دو تربیت مختلف در کنار یکدیگر برای زندگی مشترک، به جوشش پیوسته مودت و رحمت نیازمند است و این، زمانی کارساز و مفید است که در ظروف مختلف و در صورت‌های گوناگون خود را نشان دهد؛ در زبان و گفتار، در سلوک و رفتار و در کنش‌ها و واکنش‌ها (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵:

۹)؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) تأکید می‌کند که مودت و رحمت در خانواده به زبان آید و در عمل ظهور یابد و در رفتار خود را نشان دهد: «قول الرجل للمراه ائی احبک لایذهب من قلبها ابدا»؛ سخن مرد به همسر خود (دوستت دارم)، هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود (کلینی، ۱۳۸۸ق: ۵/ ۵۶۹).

بهترین زندگی خانوادگی، زندگی با عشق و علاقه است؛ چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: «خیر نسائکم ... الطفهن بازواجهن و ارحمهن باولادهن»؛ بهترین زنان شما ... با محبت‌ترینشان نسبت به شوهرانشان و مهربان‌ترین مادران نسبت به فرزندان‌شان هستند (همان، ۵/ ۳۲۶). امام رضا (ع) نیز می‌فرماید: «... بدان که زنان چند گروهند: یک گروه از آنان، گنج و غنیمت محسوب می‌شوند. این گروه، زانی هستند که شوهران خود را دوست داشته و به آنها عشق می‌ورزند ... (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۱۴/ ۱۶۱).

### ۳- اصل طهارت

طهارت در لغت به معنای نظافت و پاکی ظاهری و باطنی از هرگونه نقص و عیب است (کلینی، ۱۳۸۸ق: ۱/ ۲۱۷). در اصطلاح نیز به معنای پیراستگی جسم و جان از همه آلودگی‌های درونی و بیرونی و کدورت‌های معنوی است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۶/ ۱۹۲). طهارت به این معنا، از مهمترین امتیازهای اهل بیت (ع) است که زمینه عصمت ایشان را فراهم می‌سازد. خداوند در قرآن بر این ویژگی تصریح کرده و می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ خدا چنین می‌خواهد که هر رجس و آلاشی را از شما خانواده (نبوت) ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند» (احزاب/ ۳۳).

مفاد این آیه، به طهارت مطلق و همه‌جانبه اهل بیت (ع) اشاره دارد که براساس مشیت و اراده قطعی خداوند از همه آلودگی‌های ظاهری و باطنی در همه ابعاد و فعالیت‌های فردی و اجتماعی، پاک و منزّه‌اند؛ به گونه‌ای که اولاً هیچگونه انحراف و نافرمانی درباره آنان متصور نیست؛ ثانیاً این ویژگی در ایشان محقق شده و عینیت یافته است؛ ثالثاً طهارت در این معنای گسترده، بستری برای شکل‌گیری ملکه عصمت در ایشان است. بنابراین، اهل

بیت (ع) از حیات طیبه‌ای که قرآن کریم از آن یاد کرده، به معنای واقعی برخوردارند (طباطبائی، ۱۳۸۵: ۱۶/۴۷۴؛ حسینی طهرانی، ۱۴۱۲ق: ۳/۴۱).

خداوند در قرآن، تأسیس بنای خانواده را به خود نسبت داده و به طهارت، تعالی و پایداری آن، عنایت وافر دارد و می‌فرماید: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ؛ و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید» (نحل/۷۲).

این آیه به مواهب خداوند از نظر نیروهای انسانی و کمک‌کاران اشاره دارد و همچنین ناظر به نظام تکثیر مثل بشر و روزی‌های پاکیزه است. بی‌شک وجود نیروهای انسانی همچون فرزندان، نوادگان و همسران در اطراف هر کسی، نعمت بزرگی هم از لحاظ معنوی و هم از لحاظ مادی برای اوست.

از این آیه سه نکته پیرامون موضوع برداشت کرد:

- ۱- خداوند زوجیت و منشأ آن را به خود نسبت می‌دهد.
  - ۲- خداوند به دنبال زوجیت و تشکیل خانواده، به یکی از اهداف و ثمرات آن که تولید فرزند و بقای نسل است، اشاره کرده و آن را نیز به خود نسبت می‌دهد.
  - ۳- حمایت از خانواده و بقای آن را در قالب روزی دادن از پاکی‌ها (که شامل رزق مادی و معنوی می‌شود) به خود نسبت می‌دهد و همه این امور را ارج می‌گذارد و از آن به عنوان نعمت یاد می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۱/۳۴۵).
- در خلقت الهی، شرط تکوین هر چیز، طهارت و صحت بنیان آن است. خداوند برای طهارت انسان به عنوان برترین مخلوقش، خانواده را چون حریم امنی به این امر اختصاص داده و به هیچ وجه اجازه کمترین اهانت و سوء نیتی را به حریم مقدس خانواده نمی‌دهد و مجازات شدیدی برای متجاوزین به آن وضع نموده است.
- از احکام دیگری که خداوند توسط آن طهارت خانواده را تضمین می‌کند، موضوع عده بعد از طلاق یا بعد از فوت همسر است تا علاوه بر حفظ حرمت خانواده قبل ایجاد فرصتی بین

تشکیل دو خانواده، از تداخل نسلها و حتی ایجاد شک در این امر جلوگیری شود (حسینی، ۱۳۸۳: ۸۰ و ۷۹).

قرآن مجید می‌فرماید: «وَ الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ؛ زنان پاکیزه نیکو لایق مردان پاکند» (نور/۲۶). همچنین می‌فرماید: «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ؛ پس با زنان پاک ازدواج کنید» (نساء/۳). این پاکی در زنان و مردان در مرحله اول پاکی و پاکیزگی باطن است که عبارت است از ایمان به خدا و قیامت و نبوت و قرآن و ملائکه و متخلّق بودن به اخلاق حق.

#### ۴- اصل معاشرت به معروف

اصل معاشرت به معروف یکی از مهمترین اصول اخلاقی دین اسلام در خانواده و اجتماع است که در آیه ۱۹ سوره مبارکه نساء بیان شده و مردان را مخاطب خویش قرار داده است. این اصل بر رفتار حقوقی و اخلاقی شوهر در خانواده حکومت دارد و علاوه بر آن، یک انقلاب معرفتی پیرامون جایگاه زن در اجتماع صدر اسلام به‌شمار می‌رود. پیوند حقوق و اخلاق در نظام اسلامی را می‌توان از توصیه‌های مؤکد قرآن به روابط، گفتار و رفتار مبتنی بر «معروف» دریافت.

واژه «معروف» از جمله واژه‌های مهم قرآنی است که بارها به عنوان ضابطه بسیاری از رفتارها تکرار شده است و شامل هر فعلی است که عقل یا شرع به نیکی بشناسند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۶۱). واژه «معروف» ۳۸ بار در قرآن کریم تکرار شده که نزدیک به ۲۰ مرتبه آن به خانواده برمی‌گردد. بیشترین کاربرد این واژه، در خصوص حقوق خانواده و تنظیم روابط میان همسران است. حسن معاشرت، تبلور حاکمیت قاعده معروف در زندگی است که مایه استحکام بنیان خانواده می‌باشد. عمل به معروف در تمامی ارتباطات زوجین و حتی نحوه ارتباط والدین با فرزندان و سایر اعضای خانواده و خویشان نزدیک سایه افکنده است. از مصادیق حاکمیت قاعده معروف در نظام حقوقی خانواده می‌توان از تأمین شایسته نفقه زوجه و طفل، رعایت اخلاق نیکو در حین طلاق و پرداخت حقوق زوجه بعد از طلاق نام برد. همچنین عمل به معروف و رعایت قاعده معروف از سوی زوج و زوجه در طول زندگی زناشویی در قرآن به صراحت امر شده است (ر.ک: طالبی کیانی، ۱۳۹۳).

«عاشروهن بالمعروف»؛ یعنی ای مردان با همسران خود به شایستگی رفتار کنید. خداوند زنان را به لباس برای مردان تشبیه کرده است (ر.ک: بقره/ ۱۸۷)؛ چرا که همچون لباسی برای مردان به آنها: (۱) زینت و برازندگی می‌دهند. (۲) پوشاننده عیوبشان هستند. (۳) مایه حفاظت و آرامششان هستند.

در نظام حقوقی خانواده، عمل به معروف یک اصل فقهی - حقوقی و یک حکم اخلاقی است. عمل به معروف نوعی عمل به تکلیف است. به عبارت دیگر، معروف، ضابطه و ملاکی برای تعیین و تشخیص تکلیف است؛ زیرا بدون رعایت جنبه‌های اخلاقی نمی‌توان سعادت خانواده را تأمین و تضمین نمود. آیات مربوط به حسن معاشرت به معروف در صدد تأسیس یک اصل فقهی - حقوقی هستند که بر تمامی روابط زوجین سایه افکننده و ضابطه و ملاک تشخیص برای تعیین حقوق و تکالیف می‌باشد. آیه شریفه ۲۲۸ سوره بقره که می‌فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» و مانند همان [وظایفی] که بر عهده زنان است به‌طور شایسته به نفع آنان [بر عهده مردان] است و مردان بر آنان درجه برتری دارند و خداوند توانا و حکیم است» مؤید مسأله فوق است؛ زیرا ملاک تعیین حقوق متقابل زوجین است و فقها نیز در مصادیق مختلف بدان استناد نموده‌اند (طوسی، ۱۴۱۹ق: ۶/ ۸-۴).

از آن جهت که کلیه فرامین در حیطه امور خانواده باید از کانال اصل مودت و رحمت عبور نماید و عملی گردد، لذا در موازین حقوقی مربوط به خانواده، توصیه به حفظ و رعایت اصل معروف شده است (میرخانی، ۱۳۸۰: ۳۹). این توصیه به اجمالی چنین آمده است: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/ ۲۲۸) و به صورت تفصیل چنین در آیات گوناگون ذکر شده است: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/ ۱۹) و «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» (طلاق/ ۶) و «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/ ۲۳۳) و «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سُرْحُونَهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» (بقره/ ۲۳۱).

این تلفیق لطیف، یعنی آمیختن مسائل حقوقی با موازین اخلاقی که از شاهکارهای روانشناسی تربیتی اسلام است گاه با توصیه به اصل فضل در «وَلَا تَسْأُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ»

گذشت و نیکوکاری را در بین خود فراموش نکنید» (بقره/ ۲۳۷) متجلی می‌شود و گاه با توصیه به عفو «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى؛ اگر عفو و گذشت را حاکم سازید به تقوی نزدیک‌تر است» (بقره/ ۲۳۷) در موارد اخلاقی و گاه با رعایت اصل صلح در «و الصلح خیر» (نساء/ ۱۲۸) هنگام بروز اختلافات ظاهر می‌گردد.

مقصود از «معروف» پسندیده و نیکوست. در نظام زندگی اجتماعی و خانوادگی همه باید هم نفع برسانند و هم نفع ببرند. معاشرت به معروف و حسن معاشرت با زنان در اسلام به قدری دامنه ارزشمند و وسیعی دارد که حتی اگر مردان در دل نسبت به همسر خویش احساس کراهتی هم بکنند، نباید در رفتارشان تأثیری بگذارد (بهشتی، ۱۳۸۵: ۱۰۹ و ۱۱۰)؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا؛ چنانچه دلپسند شما نباشند (اظهار کراهت نکنید) چه بسا چیزها ناپسند شماست و حال آنکه خدا در آن خیر بسیار مقدر فرموده است» (نساء/ ۱۹). چراکه انسان‌ها نیاز به معاشرت دارند و در این معاشرت باید از یکدیگر صفا و محبت و وفاداری و گذشت ببینند نه دورویی، خیانت، تزویر و افترا و ... (همان، ۱۶۷). در زندگی خانوادگی، نیاز به عاطفه و محبت و حسن معاشرت، شدیدتر است و این عناصر می‌تواند کانون کوچک خانواده را گرم و جذاب سازد و محیط مناسب و مساعدی برای آسایش و آرامش و شکوفایی استعدادهای اعضای خانواده و تربیت و پرورش فرزندان پدید آورد.

این دستور (وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ)، ضمن اینکه دستوری جامع و کامل و تحکیم‌بخش روابط زن و شوهر در زندگی خانوادگی است و وظیفه تحکیم‌بخشی را به عهده مرد می‌گذارد، درحقیقت می‌خواهد به همه مردان بگوید شما نه تنها حق ندارید برای سودجویی و کامجویی‌های خود، زن را تحت فشار قرار دهید و به اکراه و اجبار، مهریه یا اموال او را از دستش خارج کنید، بلکه وظیفه دارید با حسن معاشرت و رفتار اخلاقی متعارف، خود مایه دلگرمی و امید او شوید و این کانون را گرم و پرنشاط سازید. هرچه احترام و محبت به یکدیگر عمیق‌تر و گسترده‌تر باشد، زندگی خانوادگی از آرامش، لذت، توانایی و رشد بیشتری برخوردار خواهد بود و فشارها و مشکلات زندگی قابل‌تحملتر (عیسی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۰).

### «اخلاق» در خانواده در آینه کلام و سیره علوی

از مزایای مکتب اسلام نسبت به سایر مکاتب این است که اسلام دارای نمونه و الگو در همه عرصه‌های بشری است. اگر امر و فرمانی دارد، برای آن نمونه عملی معرفی می‌کند تا همگان کاملاً آن را به خوبی دریابند و اجرا کنند. عرصه خانواده و زندگی زوجین نیز از این امر مستثنی نیست. اسلام برای هدایت خانواده‌ها و جهت‌دهی آنان به سوی رشد و تعالی، پیامبر (ص) و امامان (ع) را به عنوان اسوه، شاهد و شهید معرفی نموده تا مردم با مطالعه کلام و سیره و سنتشان، راه و رسم زندگی خود را بیابند و در آن وادی درست و سنجیده گام بردارند. از جمله مهمترین ویژگی‌های پسندیده این بزرگواران، احترام به اعضای خانواده، بویژه پدران و مادران نمونه و بزرگوارشان در موقعیت‌های گوناگون به بهترین وجه بوده است (طوسی، ۱۳۸۹: ۱/۳۶).

خانواده حضرت امیر (ع) بهترین خانواده نمونه قرآنی محسوب می‌شود. علی (ع) در معرفی خانواده نمونه، به خاندان پیامبر (ص) اشاره کرده و می‌فرماید: «لایقاس بآل محمد صلی الله علیه و آله من هذه الامة احد، و لهم خصائص حق الولاية»، از این امت احدی در خور قیاس به آل محمد (ص) که رحمت و درود خدا بر او و خاندانش باد نیست و ویژگی‌های مقام ولایت در آل محمد (ص) جمع است (قائمی، ۱۳۹۳: ۶۴ و ۶۵). همچنین امام علی (ع) در نامه ۲۸ نهج البلاغه مینویسد: «فانّا صنائع ربّنا و الناس بعد صنائع لنا»؛ ساخته شده پروردگار ماییم و مردم بر اساس الگوگیری و علامت، ساخته شده‌های ما هستند. در ادامه به اجمال به بیان و بررسی کلام و سیره علوی در محورهای اخلاقی خواهیم پرداخت:

**الف) «خانواده» و اهمیت تشکیل:** خداوند برای بقای نسل بشر و دستیابی انسان‌ها به آثار و فواید ارزشمند تشکیل خانواده در راه تکامل خلقت، آنان را به این امر تشویق کرده و احکام متناسبی را برای آن قرار داده تا با عمل به آنها از برکات تشکیل خانواده بهره‌مند گردند و بدان وسیله بتوانند افزون بر خوشبختی دنیوی به سعادت اخروی نیز دست یابند (عیسی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۶).

امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «تَزَوَّجُوا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ كَثِيرًا مَا كَانَ يَقُولُ: مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ»؛ تشکیل خانواده دهید، زیرا



رسول خدا (ص) بسیار می فرمود: هر کس دوست دارد از سنت من پیروی کند، تشکیل خانواده دهد که از جمله سنت‌های من تشکیل خانواده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۴/۷۴). همچنین علی (ع) می فرماید: «لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَزَوَّجُ إِلَّا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَمُلَ دِينُهُ»؛ هیچ یک از اصحاب رسول خدا (ص) ازدواج نمی کرد، مگر اینکه رسول خدا (ص) می فرمود: دینش کامل شد (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۱۴/۱۵۴).

**ب) اصل امنیت و آرامش:** زندگی زن و شوهری چون امیرالمؤمنین (ع) و فاطمه زهرا (س) برای هر مرد و زن مسلمانی بهترین الگوی زندگی است. فاطمه (س) اسباب آرامش افراد خانواده، به خصوص همسر بزرگوار خود را فراهم می آورد و علی (ع) نیز نمونه اعلاهی همسررداری و پدری مهربان و معاونی دلسوز در امور خانواده بود. ایشان در برنامه‌های روزمره خانه اعم از نظافت، خمیرکردن آرد، بچه‌داری، کمک و همیاری می کرد و از پرداختن به این امور هیچ ابا و امتناعی نداشت. ایشان نمیگذاشت به همسرش در انجام امور خانه سخت بگذرد و تمام امور زندگی با فاطمه (س) باشد (انصاریان، ۱۳۷۷: ۳۹). حضرت (س) هنگام ورود همسرش با تبسم با ایشان روبرو می شد و سلام می کرد و سپس با گفتار و رفتار مناسب و با طمأنیه خود نشاط و سکینه در خانواده می آفرید.

**ج) اصل مودت و رحمت:** در خانواده علوی علی (ع) می بینیم که برترین نمونه تربیت نبوی، یعنی علی (ع) و فاطمه (س)، چگونه عاشقانه در کنار یکدیگر می زیستند. در روایتی آمده است که امام علی (ع) فرموده است: «و لقد كنت انظر اليها فتتجلى عني الغموم و الاحزان بنظرتي اليها»؛ زمانی که به همسر فاطمه (س) نگاه می کردم، با نظر به او اندوه‌ها و حزن‌ها از من رخت برمی بست (ارزلی، ۱۳۸۱ق: ۱/۳۶۲). ایشان در پاسداری از عهد و پیمان خود می فرماید: «أَكْرِمَ وُدِّكَ وَ أَحْفَظَ عَهْدَكَ»؛ آن را که خالصاً دوستدار توست گرامی بدار و عهد و پیمانی را که با او بسته‌ای پاسدار باش.

**د) اصل طهارت:** طهارت ظاهری و باطنی از اصول مهم در تشکیل و استمرار خانواده قرآنی است. برترین آیه طهارت همان آیه تطهیر است که در معرفی اهل بیت (ع) و به ویژه خانواده آسمانی علی (ع) و فاطمه (س) آمده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ

أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً؛ همانا خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنانکه باید پاک دارد» (احزاب/ ۳۳). علامه امینی، صاحب کتاب الغدیر، در شأن نزول این آیه کریمه در کتاب فاطمة الزهرا می‌نویسد: روایات متواتری در دست است که حاکی است آیه تطهیر در خانه ام‌سلمه نازل شده است و در آنجا رسول خدا (ص) و حضرت صدیقه طاهره (س) و امیرالمومنین (ع) و حسنین (ع) حضور داشتند، ام‌سلمه خودش از رسول اکرم (ص) تقاضا می‌کند آیا من در جمع شما (اصحاب کساء) داخل شوم؟ حضرت (ص) او را از ورود در کساء نهی کرده و می‌فرماید: ای ام‌سلمه! تو عاقبت به خیر خواهی شد، ولی این آیه در حق ما پنج تن نازل شده است و قریب به سیصد نفر از اصحاب رسول خدا (ص) این موضوع را روایت کرده‌اند که بعد از نزول این آیه کریمه از رسول خدا (ص) پرسیدند: این آیه کریمه در شأن چه کسی نازل شده است؟ ایشان فرمود: در شأن من و علی و فاطمه و حسن و حسین نازل گردیده است (امینی، ۱۳۶۷: ۱۶). همچنین از امام محمد باقر (ع) روایت شده که فرمود: «انما سمیت فاطمة بنت محمد الطاهره لطهارتها من کل دنس»؛ دختر حضرت محمد (ص) از آن جهت ملقب به طاهره گردیده که از هر آلودگی پاک و مطهر بوده است... (مجلسی، ۱۴۱۳ق: ۹۱/۴۳). طهارت خاندان عصمت و طهارت در استمرار طهارت انبیاست. امام علی (ع) در توصیف پیامبران می‌فرماید: «تَنَاسَخَتْهُمْ (تَنَاسَلَتْهُمْ) كَرَامَةُ الْأَصْلَابِ إِلَى مُطَهَّرَاتِ الْأَرْحَامِ؛ آنان را از پشت‌های [پدرانی] بزرگوار و شریف به زهدانهای پاک [مادرانشان] منتقل کرد» (نهج البلاغه، خطبه ۹۴). رحم‌های پاک و طاهر در خانواده‌های مطهر، انسان‌های برتر را پرورش می‌دهند. همچنین در وصف پیامبر (ص) می‌فرماید: «أَطْهَرُ الْمُطَهَّرِينَ شَيْمَةً، وَأَجُودُ الْمُسْتَمَطَّرِينَ دِيمَةً؛ از نظر خوی و خصلت، پاک‌تر از همه پاکان بود و باران فیض و برکت وجود او، بیش از هر کس دیگر ریزان بود» (همان، خطبه ۱۰۵).

همچنین در معرفی نبی مکرم اسلام به عنوان الگویی برای مرد و زن و همه اعضای خانواده، ملاک طهارت را مطرح می‌کند در جایی که می‌فرماید: «فَتَأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّ فِيهِ أُسُوءَةً لِمَنْ تَأَسَّى، وَ عَزَاءٌ لِمَنْ تَعَزَّى؛ به پیامبر پاک و پاکیزه‌ات (ص)

اقتدا کن؛ زیرا آن حضرت برای کسی که خواهان پیروی از کسی باشد، سرمشق است و برای کسی که بخواهد به کسی منتسب باشد، بهترین می‌باشد» (همان، ۱۶۰).

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «... من به واسطه فاطمه (س) و پسرانش بر مردم برتری دارم. پس به رسول خدا (ص) افتخار می‌کنم که او را به همسری من درآورد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۳۹ / ۳۴۹). همچنین ایشان در خطبه‌ای می‌فرماید: «ای مردم! سخن مرا بشنوید و آن را درک کنید که مرگ من نزدیک است، من همسر سرور زنان این امت می‌باشم...» (همان، ۳۳۶ / ۳۹).

همچنین حضرت امیر (ع) به بالاترین مرتبه طهارت که پاکی جان و تقواست توجه دارند و می‌فرمایند: «... فَاِنَّ تَقْوَى اللّٰهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوْبِكُمْ ... وَ طَهْوْرٌ دَنْسِ اَنْفُسِكُمْ؛ تقوای الهی، دواى بیماری دل و پاک‌کننده پلیدی جان شماست» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹).

هـ) اصل معاشرت به معروف: حضرت علی (ع) در روز عید قربان خطبه خواند و پس از تکبیر فرمود: «... با زنان خود نیکی کنید...» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۸۷ / ۲۳۶). ایشان به فرزند خود امام حسین (ع) می‌فرماید: «همسرت را حفظ کن و به او نیکی کن» (همان، ۱۰۱ / ۹۱). به بیان دیگر در بینش اسلامی و منش علوی زن و شوهر امانتی خدایی در دست یکدیگرند و هر دو وظیفه امانت‌داری و پاسداری از یکدیگر را دارند.

در شب عروسی امام علی (ع) و فاطمه (س)، رسول خدا (ص) دست فاطمه (س) را در دست علی (ع) نهاد و فرمود: فاطمه (س) امانت خداست، مراقب او باش و دست علی (ع) را هم در دست فاطمه (س) نهاد و فرمود: علی (ع) امانت خداوند است و او را پاسدار باش. در واقع همسران سنگ صبور و حافظ و همیار یکدیگرند و کمترین حقی که در این راه برای دو طرف پدید می‌آید، صداقت و امانت است؛ «اَقْلُ شَيْءٍ اَلصِّدْقُ وَ اَلْاَمَانَةُ» (قائمی، ۱۳۹۳: ۱۲۵).

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در نوشتار حاضر بیان گردید می‌توان گفت در آموزه‌های اسلامی و قرآنی، خانواده حریم امنی است برای تعلق و تحقق اهداف اعضاء آن و مؤثرترین کانون برای تربیت نسل‌ها. فضای روابط همسران از منظر قرآن کریم، مملو از بایسته‌ها و شایسته‌های ناب اخلاقی

است که پیوند مودت‌آمیز و عاشقانه همسران را استوارتر می‌نماید. از این منظر، ثمره شناخت اصول اخلاقی حاکم بر روابط همسران، ارمغانی نوین و تمدن‌ساز است. خانواده قرآنی، خانواده‌ای خدامحور است که از ارزش‌ها و باورهای اعتقادی درست برخوردار است. از ثمرات این خداباوری آن است که اعضاء خانواده در حق یکدیگر کوتاهی و ظلم نمی‌کنند و تساهل و تسامحی در انجام وظایف خود نسبت به یکدیگر نخواهند داشت. از اینرو می‌توان گفت خدامحوری در زندگی مهمترین عامل دستیابی به آرامش پایدار است. همانطور که در نوشتار حاضر اشاره شد، خداوند زن و مرد را جفت یکدیگر و برقرار کننده سکون و آرامش همدیگر قرار داده است که با ایجاد انس و الفت و هم‌دلی میان آنها علاقه ایشان بیشتر و عمیق‌تر می‌گردد چنانکه دیگر در هر شرایطی از یکدیگر رویگردان نمی‌شوند. در یک خانواده قرآنی روابط زوجین بر مدار چهار اصل اساسی امنیت و آرامش، مودت و رحمت، طهارت و معاشرت به معروف و با پاسداشت حقوق یکدیگر، اداره می‌گردد و نیازهای زوجین به خوبی تأمین می‌شود. در چنین خانواده‌ای فرزندان صالح پرورش می‌یابد و با تعلیم و تربیت آنان، انسانهای با کرامت و آزاده‌ای به عرصه اجتماع قدم می‌گذارند. مصداق عملی چنین خانواده قرآنی را می‌توان در خانواده مطهر و نورانی حضرت علی (ع) - این قرآن مجسم - یافت که امید است آگاهی و مطالعه سیره علوی روشن‌گر راه ما باشد.

#### فهرست منابع

۲. قرآن کریم
۳. نهج البلاغه
۴. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۳، ۱۴۱۰ ق.
۵. ابن اشعث کوفی، ابوعلی محمد، *الاشعثیات (الجعفریات)*، تهران: مکتبه نینوی، بی‌تا.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر، ج ۱۰، ۱۴۱۴ ق.
۷. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، تبریز: مکتبه بنی هاشم، ج ۱، ۱۳۸۱ ق.
۸. امینی، فاطمه الزهرا سلام الله علیها، تهران: انتشارات استقلال، ۱۳۶۷.
۹. انصاریان، حسین، *نظام خانواده در اسلام*، انتشارات ام‌ابیه، ۱۳۷۷.

۱۰. آل اسحاق، زهرا، «بررسی نهاد حقوقی خانواده از منظر اخلاق اسلامی»، پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۱، ۱۳۸۹.
۱۱. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵.
۱۲. بیرو، آن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۸۰.
۱۳. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد بن منصور، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضا و الاحکام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره: دارالمعارف، ج ۲، ۱۳۸۹ ق.
۱۴. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم: انتشارات آل البیت، ج ۱۴، ۲۰، ۲۱، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. حسینی طهرانی، محمدحسین، امام شناسی، مشهد: انتشارات معارف اسلامی، ج ۳، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. حسینی، اکرم، «تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی»، کتاب زنان (فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان)، س ۷، ش ۲۶، ۱۳۸۳.
۱۷. دلشاد تهرانی، مصطفی، «جلوه‌ای از اصل مودت و رحمت در سیره خانوادگی پیامبر اعظم (ص)»، نشریه الهیات و حقوق، ش ۲۱ و ۲۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. سالاری فر، محمدرضا، نظام خانواده در اسلام، تهران: انتشارات سنابل، ۱۳۸۳.
۲۱. ستوده، هدایت الله، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: آوای نور، ۱۳۸۷.
۲۲. شریف قریشی، باقر، نظام خانواده در اسلام، ترجمه لطیف راشدی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۲۳. طالبی کیانی، سکینه، پژوهش فقهی حقوق قاعده معروف در خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۳.
۲۴. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه عباس عزیزی، قم: نشر صلاه، ج ۱۶، ۱۳۸۵.
۲۵. -----، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی، ج ۱۹، ۱۴۱۷ ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الأخلاق، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، تهران: فراهانی، ۱۳۶۵.

۲۷. طوسی، ابن جعفر محمد بن الحسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، ترجمه آیت الله حسین نوری همدانی و آیت الله مفتاح، انتشارات آل بیت (ع)، ۱۳۸۹.
۲۸. -----، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالاحیاء، التراث العربی، ۱۴۱۹ق.
۲۹. عیسی زاده، عیسی، *خانواده قرآنی (ویژگی‌ها و وظایف اعضای آن)*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۰.
۳۰. قائمی، علی، *نظام حیات خانواده در اسلام*، تهران: انتشارات امیری، ۱۳۹۳.
۳۱. قرشی، سیدعلی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳ و ۷، ۱۳۶۱.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ۵، ۶، ۱۳۸۸ق.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی، *دروس فلسفه اخلاق*، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰.
۳۵. مظاهری، حسین، *خانواده در اسلام*، قم: انتشارات شفق، ۱۳۷۰.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب اسلامیه، ۱۳۸۶.
۳۷. میرخانی، عزت السادات، *رویکردی نوین در روابط خانواده*، تهران: انتشارات سفیر صبح، ۱۳۸۰.
۳۸. نوابی نژاد، شکوه، *مشاوره ازدواج و خانواده درمانی*، تهران: انتشارات آرین، ۱۳۸۳.
۳۹. نوری طبرسی، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، مؤسسه آل بیت، ج ۱۴، ۱۴۰۸ق.

#### سایت‌ها:

۱. اهداف و تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن؛ [www.iranculture.org](http://www.iranculture.org)
۲. محبت و مهرورزی؛ [www.porseshmehr.ir](http://www.porseshmehr.ir)
۳. ازدواج و تشکیل خانواده در قرآن؛ [www.tebyan.hamedan.ir](http://www.tebyan.hamedan.ir)